

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال سوم، شماره نهم، زمستان ۱۳۸۹

ص ص ۲۱ - ۷

بررسی نقش عوامل اجتماعی در گرایش به جرم زنان زندان شهر تبریز

دکتر محمود علمی^۱

دکتر نعمت‌الله تقوی^۲

سولماز کاظمی‌فر^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۰/۷

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۶/۲۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش عوامل اجتماعی در گرایش به جرم زنان زندان شهر تبریز در سال ۱۳۸۸ پرداخته شد. مطالعه حاضر با بهره‌گیری از نظریه‌های کنترل هیرشی، مهار، خنثی‌سازی دیوید ماتزا، همنشینی افتراقی ساترلند، آنومی پارسونز، بی‌سازمانی اجتماعی تدوین شده است. روش پژوهش حاضر به صورت غیر آزمایشی و از نوع علمی - مقایسه‌ای است. جامعه آماری شامل ۱۰۰ نفر زنان زندانی موجود در زندان شهر تبریز و ۱۰۰ نفر زنان عادی شهر تبریز است. حجم نمونه ۵۰ نفر از زنان زندانی موجود در زندان شهر تبریز و ۵۰ نفر از زنان عادی شهر تبریز و شیوه نمونه‌گیری، نمونه‌گیری تصادفی می‌باشد. اعتبار پرسشنامه از طریق اعتبار محتوایی و جهت سنجش پایایی پرسشنامه نیز از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شد که برای همه متغیرها بالای ۰/۷ به دست آمد و پرسشنامه دارای اعتبار و پایایی قابل قبولی می‌باشد. براساس چارچوب نظری مورد استفاده و نتایج به دست آمده از آزمون t-test مستقل برای فرضیه‌هایی بین میزان تقید مذهبی، نابهنجاری رفتاری دوستان، نابهنجاری رفتاری خانواده زنان زندانی و عادی تفاوت معنی‌دار وجود دارد. ولی بین نحوه کنترل خانواده زنان زندانی و عادی تفاوتی وجود ندارد. در واقع، از بین عوامل اجتماعی تاثیرگذار در گرایش به جرم زنان زندان تبریز، پایین بودن تقید مذهبی و بالا بودن نابهنجاری رفتاری دوستان و نابهنجاری رفتاری خانواده نقش به سزایی داشته‌اند.

واژگان کلیدی: جرم زنان، عوامل اجتماعی، زنان زندانی، زنان عادی.

۱. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، گروه علوم اجتماعی، تبریز- ایران.

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز.

۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقانان- ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

مطالعه علل و عوامل وقوع جرایم در جامعه همواره از مشغله‌های ذهنی - علمی پژوهشگران آسیب-شناسی اجتماعی بوده است. با کشف اولیه این عوامل، کوشش در طبقه‌بندی آن‌ها دومین گام جامعه-شناسان می‌باشد. در این میان پدیده‌ی مهم مطالعه در حوزه‌ی آسیب‌شناسی جنسیت مجرمان زن همیشه در پرده‌ای از راز و حریم عفت‌آلود نهفته است که خود باعث نوعی عدم شناخت و دامن زدن به پاره‌ای از کج اندیشی‌ها و تحلیل‌های غرض‌آلود برضد جنسیت زن از قدیم‌الایام بوده است. یکی از مفاهیم نزدیک به انحراف، مفهوم نابهنجاری است. فرد نابهنجار کسی است که فاقد سازگاری با ساخت کلی یک نظام باشد یا در کارآیی یک نظام مضر یا انتظار و توقع مردم ناهمخوانی و یا از آن‌چه که معمول متداول، طبیعی شمرده می‌شود متمایز باشد. رفتار نابهنجار، انحراف و آسیب تلقی می‌شود که حاوی انحرافات گسترده‌ای از معیارهای اجتماعی می‌باشد از منظر جامعه‌شناسی مشروعیت و بهنجار بودن یک رفتار از نوع دیدگاه و انتظار یک جامعه با هرگروه اجتماعی ناشی می‌شود و در صورتی انحراف تلقی می‌شود که هنجارهای مکرر و در حدی گسترده نادیده گرفته شود (محمدی، ۱۳۸۳: ۲۲). هر جامعه برای تحقق اهداف خویش ملاک‌ها و معیارهایی برای تشخیص رفتار بهنجار و نابهنجار انتخاب و تعیین می‌کند که به وسیله آیین‌های دینی و اخلاقی، قوانین جاری، قواعد گروهی و سازمانی و مقررات خانوادگی نظارت می‌گردد. این ملاک‌ها و معیارها که از ارزش‌ها ناشی می‌شوند، مبین هنجارهای جامعه، سازمان، گروه‌ها و خانواده می‌باشند. هنگامی که فرد با هنجارهای خانوادگی یا اجتماعی انطباق نداشته باشد و یا انطباق او کافی به نظر نرسد، در چنین وضعیتی مساله‌دار قلمداد می‌شود و ممکن است مشکلش به صورت‌های کژسازگاری، ناسازگاری، خطاکاری و بزهکاری جلوه‌گر شود (کرباسی و دیگری، ۱۳۸۶: ۴۰-۳۹).

در مکتب اسلام عوامل زیستی و روانی و اجتماعی نقش عمده‌ای به عنوان ریشه جرایم دارند که باید با دقت ارزیابی کرده و هدایت‌های ترجیحی و تربیتی خود را در جهت پیشگیری از جرایم و خطاها ارائه نمود. در آموزه‌های دینی و مکتب اسلام پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح و درمان مجرم با استفاده از تدابیر پیشگیرانه و اقدام‌های تامینی و تربیتی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. اکثر افرادی که دارای رفتار نابهنجار هستند در بسیاری از زمینه‌ها رفتار طبیعی و معمولی دارند. با توجه به این امر رفتار نابهنجار رفتاری است که به میزان قابل توجهی از یک معیار فرهنگی یا هنجار گروهی دور شده باشد. برخی نابهنجاری‌ها عبارتند از: فرار از منزل، صدمه زدن به اشخاص و اشیاء، نوع پوشش، اعتیاد، دزدی، رابطه جنسی نامشروع (همان: ۳۹). در جامعه‌ای که اساس آن بر پایه اعتقادهای مذهبی و دینی ریخته شده و وجود مراکز قمار، فحشا، عرضه مشروبات الکلی و لجام گسیختگی نفسانی ممنوع است، شیوع مفسده آشکار و پنهان افزایش قابل توجه نابهنجاری و کجرفتاری از آلودگی به مواد مخدر در میان زنان امری نامیمون و مستلزم تعمق و چاره اندیشی است (شفیعی، ۱۳۸۳: ۳).

رفتارهای والدین و اعضای خانواده در نوع بروز واکنش‌های افراد نیز موثر است. اصولاً کلیه رفتارهای دوران نوجوانی، جوانی و بالاتر، چه اجتماعی باشد یا ضد اجتماعی، در نتیجه تجارب گذشته به وجود می‌آید و با توجه به این تجارب است که می‌توان این حالات و رفتارها را توجیه کرد. نابهنجاری در افراد هر چند می‌تواند به عوامل بسیار، از جمله مشکلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... وابسته باشد، اما درگام نخست، این خانواده و مخصوصاً مادر است که کودک را به مسیر صحیح هدایت می‌کند یا بستر گناه و جرم و انحراف را برای او مهیا می‌سازد. انسان به دلیل ویژگی اجتماعی بودن خود از بدو تولد تحت تأثیر افکار، عقاید و رفتار اطرافیان قرار می‌گیرد و بعدها به تقلید از این رفتارها و گفتارها، الگوهایی را که به نحوی در ارتباط با او هستند سرمشق رفتاری خود قرار می‌دهد. خمیر مایه مولفه‌های اصلی شخصیت متعادل و پویا یا متزلزل و آسیب‌پذیر افراد در کانون خانواده و در سایه تعامل مطلوب با والدین، به ویژه مادر، شکل می‌گیرد (نقل از سایت آفتاب). از آنجا که افزایش آسیب‌ها و نابهنجاری‌های اجتماعی، نامنی و ... را به همراه داشته و موجب سلب اطمینان مردم و بروز اختلافات در روابط فردی و اجتماعی می‌شود و از طرفی با توجه به این که زنان در تربیت و سلامت جامعه نقش بسزایی دارند و امروزه دامنه آسیب‌ها و معضلات اجتماعی بین زنان گسترش یافته، لذا ضروری است تا ابعاد و روند آسیب‌های اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته و تدابیر و تصمیم‌های موثر و عاجل جهت شناسایی، پیشگیری و مبارزه با این مسئله اتخاذ گردد (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۶). از دید پارسونز [۱]، نهادها و سازمان‌های اجتماعی، عوامل اجرایی و ابزارهای جامعه‌پذیری الگوهای رفتاری و درونی ساختن آن‌ها هستند. در صورتی که نهادها و سازمان‌های کارگزار جامعه‌پذیری نظیر خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی کارآیی لازم را نداشته باشند، جامعه دچار بی‌سازمانی اجتماعی گردیده و پیامد آن شیوع رفتار انحرافی در جامعه است. وی معتقد است، افراد با درونی کردن الگوها در فرآیند جامعه‌پذیری و ایفای نقش‌ها در چهارچوب نظام‌های فرهنگی روی پیوستاری قرار می‌گیرند که در یک طرف آن رضایت و اقناع درونی و برخورداری از حمایت و پذیرش اجتماعی برای افراد است و در طرف دیگر آن نابسامانی و بی‌هنجاری و رفتار انحرافی است که اجبار و اضطراب اجتماعی را به دنبال دارد. پارسونز کنش‌های اجتماعی را در یک پیوستار درجه‌بندی شده از ادغام کامل تا آنومی توصیف نموده و آنومی را حاصل گسیختگی کامل نظم هنجاری می‌داند (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۴). پارسونز روابط فرزند و والدین را به عنوان منبعی از طغیان دوره جوانی ذکر کرده و اظهار می‌دارد که جوانان به دلیل بعضی از گویه‌های پذیرفته شده فرهنگ خانواده‌های طبقه متوسط مرتکب رفتار بزهکارانه می‌شوند. برای مثال داشتن اتومبیل یک ارزش پذیرفته شده در نزد خانواده‌های طبقه متوسط بوده و در زندگی جوانان با معنی است. بعضی از جوانان ممکن است که به شیوه‌های غیرقابل قبول مانند دزدی تلاش کنند تا اتومبیل به دست آورند و احتمالاً از اتومبیل به شیوه‌های غیرقابل قبول مانند رانندگی خطرناک استفاده کنند. به اعتقاد پارسونز چنین مشکلی در میان جوانان طبقه متوسط در

جامعه صنعتی نسبت به جوانان سایر طبقات اجتماعی شیوع بیشتری دارد. پارسونز علل رفتار انحرافی را در ساخت نظام اجتماعی جستجو کرده و بر نهادهای اجتماعی تاکید می‌کند (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۵).

طبق نظریه برچسب‌زنی اساس و مبنای انحرافات اجتماعی تعریفی است که جامعه از برخی رفتارهای انسان دارد. بکر [۲] اظهار می‌دارد عمل تزریق هروئین به طور ذاتی انحراف اجتماعی نیست زیرا اگر پرستاری در بیمارستان به دستور پزشک این عمل را انجام دهد عملی به هنجار تعریف می‌شود. هنگامی این عمل رفتار انحرافی در نظر گرفته می‌شود که به شیوه‌ای که از نظر مردم مناسب و صحیح نیست صورت گیرد. بنابراین صفت انحراف اجتماعی که به کرداری داده می‌شود به چگونگی تعریف آن کردار در ذهن افراد بستگی دارد (همان: ۱۰۱-۱۰۰). این نظریه به سبب‌شناسی انحراف اولیه نمی‌پردازد زیرا این انحراف را اولین بار فردی انجام داده که هم‌نوا با هنجارهای اجتماعی است. بنابراین این رفتار به تنهایی و به خودی خود و بدون واکنش اجتماعی و برچسب زدن فرد را به بزهکار و مجرم حرفه‌ای تبدیل نمی‌کند. نظریه برچسب زنی به علل انحراف دومین می‌پردازد؛ زیرا فرد پس از برچسب خوردن تغییر هویت داده و خصیصه‌های همان برچسب را به خود می‌گیرد. برای مثال فردی که به علت دزدی زندانی شده پس از رهایی به علت برچسب دزد نه تنها نمی‌تواند شغلی بیابد بلکه چون فردی منحرف تعریف می‌شود و به مانند یک مجرم و بزهکار با وی رفتار می‌نمایند و مقبولیت اجتماعی خود را نیز به عنوان یک شهروند عادی از دست می‌دهد در کنش متقابل اجتماعی با مردم به تدریج تغییر هویت داده و هویت یک مجرم را کسب می‌کند (همان: ۱۰۳). ماتزا [۳] در نظریه خنثی‌سازی بر این باور است که جوانان طبقه پایین نه از فرهنگ مسلط جامعه تبعیت می‌کنند و نه آن را مردود می‌شمارند. آنان بر این باورند که در عالم واقع پیشامدهایی برای آنان به وجود می‌آید که موجب پایین آمدن شئون‌شان می‌شود. چنین باور و تفهم از عالم واقع سبب می‌گردد تا تقید اخلاقی به نظم قانونی را خنثی ساخته و یک نوع ساخت‌های زبانی را بیاموزند که آن ساخت‌ها آنان را قادر سازد که رفتار بزهکارانه را توجیه نمایند (همان: ۷۹-۷۸).

بر اساس نظریه ماتزا فرایند ارتکاب رفتار بزهکارانه توسط جوانان به شرح زیر است:

۱. جوانان احساس می‌کنند که برای پای‌بند بودن به قانون و مقررات ناتوان هستند؛ زیرا تعهدات‌شان به قانون به عنوان یک عامل بازدارنده در مقابل رفتارشان تلقی می‌شود.
۲. فنون خنثی‌سازی جوانان را قادر می‌سازد که مرتکب رفتار بزهکارانه شوند بدون این که احساس گناه و تقصیر کنند.
۳. یکی از فنون خنثی‌سازی فهم فرد از خودش است به عنوان این که او دارد به وسیله تقدیر و سرنوشت و جبر و به طور کلی عواملی که تحت کنترلش نیست اداره می‌شود.
۴. حالتی از جبرگرایی و اعتقاد به تقدیر و سرنوشت موجب می‌گردد تا احساس ناامیدی در فرد بالا رود و آرامش خاطر او را خدشه‌دار نماید. در نتیجه فرد احساس می‌کند که حداقل به طور موقت با یک رفتار بزهکارانه مانند مصرف مواد مخدر، تخریب اموال عمومی و سرقت آرامش خاطر بیابد.

۵. احساس ناامیدی جوانان را در حالتی از سرخوردگی و رانده شدن قرار می‌دهد و آنان را برای اعمال بزهکارانه آماده می‌سازد.

۶. جوانان با فنون خنثی‌سازی خود را متقاعد می‌سازند و به خود این طور القا می‌کنند که اعمال بزهکارانه‌ای که مرتکب می‌شوند واقعاً رفتار بدی نیست و تلاش می‌کنند تا دیگران را متقاعد سازند که آن چه را که انجام داده‌اند واقعاً بد نبوده و اعمال‌شان صحیح و قابل اعتماد است (همان: ۸۰).

ماترا مهم‌ترین انگیزه بزهکاران را در ارتکاب رفتار بزهکارانه آگاهی می‌داند. در حالی که مواردی نیز وجود دارد که فرد با آگاهی صحیح مرتکب رفتار بزهکارانه می‌شود (همان: ۸۰).

طبق نظریه مهار رکلس [۴]، هم‌نوایی فرد با گروه و جامعه امری طبیعی و بر اساس تمایل درونی او نیست و صرفاً از فشار و کنترل گروه سرچشمه می‌گیرد. به دیگر سخن، او هم‌رنگی فرد با گروه را به معنای (هم‌نوایی) وی و رفتاری ناشی از درونی شدن هنجارها و ارزش‌ها در او نمی‌داند؛ و مدعی است که این رفتار نوعی پاسخ به نفوذ گروه و همواره از نوع اجابت (متابعت) است؛ و هرگاه فشار گروه وجود نداشته باشد، یا کم باشد، فرد عصیان کرده و به کجروی روی خواهد آورد. در این تبیین رکلس عمدتاً بر این نکته تأکید دارد که کجروی را عمدتاً مهارهای خارجی رفتار (یعنی فشارهای اجتماعی) کنترل می‌کند. بر همین اساس ضمن آن که یکی از علل وجود کجروی در جامعه را کافی نبودن قدرت کنترل‌کننده‌های خارجی برای مقابله با انگیزه‌های ارتکاب رفتار کجروانه قلمداد می‌کند، خاطر نشان می‌کند که اگر جامعه‌ای از ویژگی‌های زیر برخوردار باشد، قادر به مهار جرم و کجروی خواهد بود: ۱. این که از یکپارچگی مناسبی برخوردار باشد. ۲. نقش‌های اجتماعی و محدودیت‌های اجتماعی رفتار را به خوبی تعریف و تعیین کند. ۳. نظام تربیت خانواده و فرایند سرپرستی و نظارت آن‌را تشویق نماید. ۴. برای تقویت دستاوردهای مثبت افراد، پشته‌هایی را تدارک ببیند. در عین حال به نظر رکلس، اگر کنترل‌های خارجی در جامعه ضعیف یا مفقود شود، کنترل کجروی ناگزیر به بازدارنده‌های درونی (موانع داخلی کجروی) و عمدتاً وجدان فردی، منوط می‌گردد (سلیمی و دیگری، ۱۳۸۶: ۳۹۴). در این خصوص دیدگاه او را می‌توان در زمره نخستین کوشش‌هایی محسوب داشت که به بیان چگونگی اثرگذاری خود پنداره برگرایش‌های کجروانه پرداخته و برای مثال، یادآور شده است که حتی جوانان رشد یافته در جرم‌زاترین مناطق قادر هستند که خود را از ارتکاب کجروی دور نگه دارند و این توان در صورتی پدید می‌آید که آنان نوعی "قوت نفس" و برداشت مثبت و قوی از خود داشته باشند (همان: ۳۹۵-۳۹۴). به نظر او، وجود این مهار درونی قوی را می‌توان از سنجه‌های زیر استنباط کرد: ۱. توان تحمل شکست و ناکامی. ۲. انگیزش توسط اهداف دراز مدت. ۳. مقاوت در برابر آشفتگی خاطر. ۴. توان توسل به ارضا کننده‌های جایگزین (همان: ۳۹۵). طبق نظریه کنترل برای کاستن از تمایل به رفتار بزهکارانه و مجرمانه باید همه افراد کنترل شوند. این نظریه هم-چنین رفتار انحرافی را عمومی و جهان شمول دانسته و آن را نتیجه کارکرد ضعیف ساز و کارکرد کنترل اجتماعی و کنترل شخصی و درونی می‌داند. بنابراین بزهکاری و جرم از یک سو محصول عوامل فردی

کنترل نظیر خود پنداره منفی، ناکامی روان پریشی و اعتماد به نفس پایین است و از سوی دیگر نظام‌های کنترل ناقص اجتماعی و فقدان تقید و تعهد نسبت به نهادهای بنیادین اجتماعی مانند خانواده و مدرسه به رفتار انحرافی منتهی می‌شود. در تبیین انحراف‌های اجتماعی، اندیشمندان نظریه کنترل بر عوامل کنترل شخصی و درونی و عوامل کنترل اجتماعی تاکید نموده‌اند. به طور کلی نبود کنترل‌های شخصی و اجتماعی موجب پیدایش بزهکاری و جرم می‌گردد. کنترل‌های اجتماعی از کنترل‌های رسمی نظیر قوانین و کنترل‌های غیر رسمی هم‌چون ضمانت‌های اجتماعی منتج می‌شوند. برخی از مقوله‌های کنترل برای تحلیل بزهکاری جوانان به شرح زیر است: ۱. کنترل مستقیم که والدین آن را از طریق تنبیه و تشویق اعمال می‌کنند. ۲. کنترل غیرمستقیم که به وسیله آن جوانان از رفتار بزهکارانه خودداری می‌کنند. زیرا این رفتار ممکن است موجب نگرانی و ناامیدی برای والدین یا دیگرانی باشد که با آن‌ها روابط نزدیکی دارند. ۳. کنترل درونی که به وسیله آن، آگاهی از احساس تقصیر گناه، شرم جوان را از درگیر شدن در رفتار بزهکارانه باز می‌دارد (احمدی، ۱۳۸۴: ۸۶).

هیرشی [۵] بزهکاری را بی‌اهمیتی و بی‌اعتنایی به قید و بندهای اجتماعی مطرح کرده و این قیود را در چهار مفهوم کلی خلاصه می‌کند:

وابستگی: حساسیتی است که شخص نسبت به عقاید دیگران درباره خود نشان می‌دهد. وابستگی در حقیقت نوعی قید و بند اخلاقی است که فرد را ملزم به رعایت معیارهای اجتماعی می‌کند مانند وابستگی فرزندان به والدین، اقوام نزدیک و دوستان.

تعهد: میزان مخاطره‌ای است که فرد در تخلف از رفتارهای قرارداد اجتماعی می‌کند. به این معنا فردی که خود را به قیود اجتماعی متعهد می‌داند، از قبول این مخاطرات پرهیز می‌کند؛ مانند تعهد به پیروی از دستورهای مذهبی یا حفظ شئون خانوادگی و ملی.

درگیر بودن: میزان مشغول بودن فرد به فعالیت‌های گوناگون است که باعث می‌شود برای کار خلاف وقت نداشته باشد؛ مانند درگیر بودن در کار، ورزش و درس.

باورها: میزان اعتباری است که فرد برای معیارهای قراردادی اجتماعی قایل است و باعث می‌شود در حالی که می‌تواند طبق میل خود از آن‌ها تخلف کند، پای‌بند به آن‌ها باقی بماند؛ مانند باور به نیکوکاری، باور به حسن شهرت در بین خانواده و همسالان و باور به محرمانه.

هیرشی معتقد است که افراد بزهکار قادر به ایجاد وابستگی معقول و منطقی با سایرین نیستند. از این رو روابط بین اعمال بزهکارانه و داشتن دوستان بزهکار رابطه‌ای ظاهری است (نقل از سایت تبیان).

طبق نظریه هم‌نشینی افتراقی سادرلند [۶] انواع الگوهای درستکاری و انحراف اجتماعی در جامعه وجود دارد، اما توزیع آن‌ها و احتمال برخورد افراد با آن‌ها به نظارت اجتماعی بستگی دارد. برای مثال هنگامی که به علت مهاجرت و تحولات شهرنشینی، جابه‌جایی مکانی و اجتماعی و بیگانگی در جامعه شهری توسعه می‌یابد، احتمال بیشتری وجود دارد که فرد با الگوهای انحراف اجتماعی برخورد کند و آن‌ها

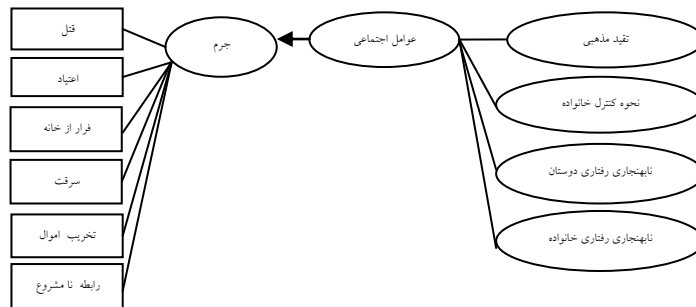
را بیاموزد و به کار برد. حال که این احتمال در اجتماع‌های کوچک که در آن‌ها نظارت اجتماعی شدید است کمتر وجود دارد. به اعتقاد سادرلند فرایند یادگیری که شامل ارتباط و تعامل است می‌تواند همه انواع بزهکاری و جرم را تبیین نماید (احمدی، ۱۳۸۴: ۹۶-۹۵).

مطابق نظریه پیوند افتراقی نزدیکان و همسالانی که بزهکار باشند، تأثیر زیادی بر تشکیل و تقویت نگرش بزهکارانه می‌گذارد و فرد را به سوی بزهکاری سوق می‌دهند. نظریه پیوند افتراقی محتوای اجتماعی بزهکاری را در نظر دارد و فرد بزهکار را در جایگاه اجتماعی او از حیث رابطه‌اش با خانواده، محله، رفا و مصاحبان در نظر می‌گیرد (www.tebyan.net). پیوستن به بزهکاران یا جدا شدن از غیر بزهکاران (پیوند افتراقی) به فراگیری مطالبی می‌انجامد که موافق تخلف از قوانین است. مکرر و قالبی بودن مطالب تشویقی درباره بزهکاری و قانون شکنی در قیاس با فرا گرفته‌های ضد بزهکاری منجر به پذیرش بزهکاری می‌شود. همچنین می‌توان گفت که روش‌های خنثی‌سازی فرد و بی‌اعتنا ساختن او نسبت به قوانین و اعتقادهای سنتی جوامع که با شنیدن مطالبی بر ضد قوانین و مشاهده مکرر بزهکاری همراه است و نیز تحت تأثیر توجیه بزهکاران درباره بزهکاری قرار گرفتن و پذیرفتن مطالبی چون «کارهایی که مردم بزه می‌دانند، به کسی آسیبی نمی‌رساند» و «نیروهای انتظامی به همه بدگمان‌اند» راه را برای بزهکاری کسانی که با این قبیل بزهکاران پیوند اجتماعی می‌یابند، یعنی فرزندان، اقوام و دوستان آن‌ها یا کسانی که با آن‌ها در یک ساختمان یا یک محله زندگی می‌کنند، یا بر اثر کسب و کار و تحصیل با آن‌ها تماس پیدا می‌کنند، هموار می‌کند (همان).

شکریگی (۱۳۸۵) دریافت بین تأثیر محیط مدرسه و تأثیر دوستان در ناهنجاری رفتاری دختران رابطه قوی وجود دارد و تأثیر دوستان در ناهنجاری رفتاری بیش از رسانه است (www. Sociology of Iran.com) زمانی (۱۳۸۶) دریافت بیسوادی، ناآگاهی اجتماعی، زندگی خانوادگی نابسامان و از هم پاشیده، از جمله عواملی هستند که هریک از آن‌ها متأثر از عوامل دیگر و در تعامل با آن‌ها است. هیچ یک از این عوامل به تنهایی موجب بروز کجروی و انگیزه عمل خلاف نمی‌گردد، اما در صورتی که مجموعه‌ای از عوامل مساعد وجود داشته باشد، هریک از عوامل مذکور می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در گرایش فرد به کجروی ایفا کند (www.socialworker.mihanblog.com). محمدنی (۱۳۷۶) دریافت نابسامانی خانواده، عدم نظارت و کنترل والدین، وجود اختلاف و مشاجره و کثرت اولاد و وضعیت اقتصادی، اجتماعی پایین تأثیر مهمی در بروز جرم و تعدد جرم و سن شروع جرم دارد (محمدی، ۱۳۸۳: ۶۶). نازک‌تبار، زاهدی، ناییبی (۱۳۸۵) دریافتند که تفاوت معنی‌داری بین ابعاد دین‌داری و میزان بزهکاری (سرقت) در بین دو گروه جوانان عادی (غیر بزهکار) و زندانی (بزهکار) در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد. یافته‌های نظری پژوهش نشان داد که گرچه می‌توان رابطه جداگانه و مستقیم هر یک از متغیرهای مستقل (ابعاد دین‌داری) با متغیر وابسته (میزان بزهکاری) را بر اساس نظریه‌های دین‌داری و پیوند اجتماعی تبیین کرد، اما نتایج حاصل از تحلیل چندمتغیری، بیانگر آن است که تنها، بعد پیامدی دین‌داری

تاثیر مستقیم بر بزهکاری داشته و بیشترین سهم را در تبیین ممانعت از بزهکاری جوانان به خود اختصاص داده است (www.sid.ir). داداش‌زاده فهیم دریافت که: ۱. هرچه عدم پذیرش والدین نسبت به فرزند زیادتر باشد و یا مراقبت و حمایت بی دلیل فزون‌تر و یا رفتار والدین نسبت به فرزند با ناهماهنگی و عدم تداوم رفتاری همراه باشد و یا محیط خانوادگی با ناسازگاری قرین باشد گرایش‌های پرخاشگرانه کودک رو به افزایش نهاده احتمال کجرو شدن او فزونی می‌گیرد. ۲. گذر از نوجوانی به بزرگسالی چنان‌چه در محیط نامناسبی صورت پذیرد احتمال کجرو شدن فرد فزونی می‌گیرد. ۳. احتمال کجرو شدن برای افرادی که به گروه اجتماعی خود یا جامعه کمتر وابسته هستند و ارزش‌های اجتماعی حاکم بر جامعه را کمتر می‌پذیرند بیشتر است (محمدی، ۱۳۸۳: ۶۷). ۴. هرچه کنترل اجتماعی ضعیف‌تر باشد احتمال کجروی فزونی می‌گیرد. ۵. اکثر کجروان اجتماعی دارای خانواده‌های پرستیز یا گسسته بوده‌اند. ۶. در خانواده‌هایی که سابقه کجروی وجود دارد احتمال کجروی از سوی سایر افراد فزون‌تر است. ۷. در گروه‌هایی که علایق مذهبی ضعیف‌تری دارند احتمال کجروی فزون‌تر است. ۸. در مواقع بحرانی چون جنگ، بحران اقتصادی و تورم و حوادث طبیعی و اجتماعی احتمال کجروی افزایش می‌یابد. ۹. اعتیاد و دست‌یازیدن به فروش مواد مخدر در بین کسانی که مشاغل کاذب دارند و یا حرفه ایشان به الگوهای گذران اوقات فراغت مربوط است شایع‌تر است (همان: ۶۸).

مدل تحلیلی تحقیق



شکل شماره (۱): مدل نهایی تحقیق

سوال‌های تحقیق

۱. رابطه بین تقید مذهبی و جرم زنان چگونه است؟
۲. رابطه بین نحوه کنترل خانواده و جرم زنان چگونه است؟
۳. رابطه بین ناپهنجاری رفتاری دوستان و جرم زنان چگونه است؟
۴. رابطه بین ناپهنجاری رفتاری اعضای خانواده و جرم زنان چگونه است؟

فرضیه‌های تحقیق

۱. میزان تقید مذهبی زنان زندان تبریز در گرایش به جرم آنان نقش دارد.
۲. میزان نحوه کنترل خانواده زنان زندان تبریز در گرایش به جرم آنان نقش دارد.
۳. میزان نابهنجاری رفتاری دوستان زنان زندان تبریز در گرایش به جرم آنان نقش دارد.
۴. میزان نابهنجاری رفتاری اعضای خانواده زنان زندان تبریز در گرایش به جرم آنان نقش دارد.

تعریف مفاهیم

جرم: جرم و نابهنجاری گاه در مفهوم کاملاً مترادف با کجروی، و به مفهوم تخلف از ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر روابط اجتماعی به کار می‌رود؛ و گاه در مفهوم کلی‌تر، به معنای ابعاد، ویژگی‌ها و حتی رفتارهای غیرمتعارف و غیرمعمول. برای نمونه، گاه حتی تلاش شده است تا "رفتار کجروانه" نوعی "نابهنجاری آماری" یادور افتادن از یک وضعیت متعارف (هنجار) آماری محسوب گردد (سلیمی و دیگری، ۱۳۸۶: ۱۱۸). جرم در این تحقیق از طریق معرف‌های زیر سنجیده می‌شود: ۱. قتل ۲. اعتیاد ۳. فرار از خانه ۴. سرقت ۵. تخریب اموال عمومی ۶. رابطه جنسی نامشروع.

تقید مذهبی: در زبان عربی، اصطلاحی که با کلمه religion بیشترین مطابقت را دارد دین است. آن جا که کلمه religion از ریشه لاتینی religare به معنی متعهد و مقید ساختن گرفته شده است، در نتیجه معنی ضمنی این کلمه آن است که ما را به خداوند مقید می‌سازد. برخی دست‌نویسان عرب و مفسران قرآنی گفته‌اند که کلمه دین از دین، به معنی بدهی مشتق شده است. بنابراین، دین به معنای باز پرداخت دین ما به خداوند در تمام مدت عمر است زیرا ما نه تنها برای بخشش‌های خاص بلکه مهم‌تر از همه برای صرف موهبت حیات، به خداوند مدیون هستیم (نصر، ۱۳۸۵: ۲۹). نحوه سنجش تقید مذهبی در این تحقیق به این صورت است که پای‌بندی خود فرد نسبت به واجبات نماز، روزه و به مستحبات حضور در مجالس دینی، زیارت اماکن متبرکه و نذر، سنجیده شود.

نحوه کنترل خانواده: در همه جوامع و حتی در جوامع غیر انسانی گروه‌ها اعضا را برای اطاعت از هنجارها تحت فشار قرار می‌دهند. پذیرش از سوی گروهی که فرد بدان تعلق دارد از نیازهای انسانی است (سخاوت، ۱۳۸۳: ۳). گروه‌ها به طور کلی، از دو نوع‌اند: گروه‌های نخستین و گروه‌های دومین. گروه‌های نخستین، کوچک و رویایی، صمیمی و غیررسمی هستند، مثل خانواده و جرگه دوستان. در حالی که گروه‌های دومین یا ثانوی، گروه‌های بزرگ‌تر، غیرشخصی و رسمی هستند، نظیر اتحادیه‌های صنفی، انجمن‌های حرفه‌ای و شغلی. در داخل گروه‌های نخستین، کنترل از نوع غیررسمی، خود به خودی و بدون برنامه است. اعضای این گروه‌ها، به اعمال هر عضو واکنش نشان می‌دهند. وقتی عضوی درصدد تخلف است با واکنش منفی گروه مواجه می‌شود و وقتی رفتار مقبولی دارد، مورد تایید گروه قرار می‌گیرد. به هر حال، این واکنش‌ها، اعضا را به طور غیررسمی تحت فشار قرار داده، ملزم به رعایت هنجارهای

معینی می‌سازند. معمولاً، برای مردم عادی، مقبولیت در نظر دیگران، مخصوصاً اعضای گروه نخستین، حایز اهمیت است (علاقه‌بند، ۱۳۸۴: ۱۱۳). خانواده یکی از گروه‌هایی است که رفتار فرد را تا حدودی معین می‌کند و به آن شکل می‌دهد. بنابراین اگر اعضای خانواده درست تربیت نیافته باشند ممکن است موجب گرایش او به کجروی شوند. البته زمانی که در مورد هنجارهای یک خانواده صحبت می‌کنیم باید به طبقه اجتماعی، گروه شغلی و سایر پاره گروه‌هایی که خانواده، جزئی از آنها را تشکیل می‌دهد توجه کنیم (محمدی، ۱۳۸۳: ۵۵). نحوه کنترل خانواده در این تحقیق به این شکل سنجیده می‌شود که اگر فرد مجرد باشد کنترل خانواده پدری و اگر متأهل باشد کنترل همسر مد نظر است. در نحوه کنترل خانواده بیشتر شاخص‌های زیر مد نظر است: ساعات ورود و خروج، نظارت بر دوستان، نظارت بر رفت‌وآمدهای خانوادگی.

ناهنجاری رفتاری دوستان و اعضای خانواده: ناهنجاری به حالتی اطلاق می‌شود که از حد طبیعی و میانگین خارج باشد و به صورت غیرطبیعی جلوه کند. عموماً در روان‌شناسی رفتارهایی که به صورت غیر طبیعی بوده یا ضریب هوشی که دارای عقب ماندگی باشد ناهنجار خوانده می‌شود (حسینی‌نسب و دیگری، ۱۳۷۵: ۳۵۴). رفتار ناهنجار رفتاری است که به میزان قابل توجهی از یک معیار فرهنگی یا هنجار گروهی دور شده باشد (کرباسی و دیگری، ۱۳۸۶: ۳۹). یکی از مفاهیم نزدیک به انحراف مفهوم ناهنجاری است. فرد ناهنجار کسی است که فاقد سازگاری با ساخت کلی یک نظام باشد که یا در کارایی یک نظام مضر یا انتظار و توقع مردم ناهمخوانی و یا از آن چه که معمول متداول طبیعی شمرده می‌شود متمایز باشد. رفتار ناهنجار انحراف آسیب تلقی می‌شود که حاوی انحرافات گسترده‌ای از معیارهای اجتماعی باشد. از منظر جامعه‌شناسی مشروعیت و بهنجار بودن یک رفتار از نوع دیدگاه و انتظار یک جامعه با هر گروه اجتماعی ناشی می‌شود و در صورتی انحراف تلقی می‌شود که هنجارهای مکرر و در حدی گسترده نادیده گرفته شود (محمدی، ۱۳۸۳: ۲۲). ناهنجاری رفتاری دوستان و اعضای خانواده توسط معرف‌های زیر سنجیده می‌شود: ۱. قتل ۲. اعتیاد ۳. فرار از خانه ۴. سرقت ۵. تخریب اموال عمومی ۶. رابطه جنسی نامشروع ۷. بگو و مگوهای لفظی یا درگیری‌های بدنی ۸. طلاق.

ابزار و روش

این تحقیق از نوع توصیفی غیرآزمایشی می‌باشد. درعین حال تحقیق حاضر از نظر شرایط پژوهش یک بررسی علی-مقایسه‌ای، هم‌چنین از نظر هدف یک بررسی کاربردی و از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه یک مطالعه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است.

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زنان زندانی حاضر در شهر تبریز در سال ۱۳۸۸ که طبق آمار گزارش شده از سوی مسئولان زندان تبریز تعداد آنان ۱۰۰ نفر گزارش و هم‌چنین زنان عادی شهر تبریز بود. به علت عدم همکاری مسئولان زندان و زندانیان در پاسخ به سوالات با صلاح‌دید استاد راهنما

و مشاور نمونه آماری به صورت تصادفی انتخاب شد به طوری که، ۵۰ نفر از زنان زندانی انتخاب و متناسب با سن و طبقه اجتماعی آن ها، ۵۰ نفر نیز از بین زنان عادی شهر تبریز انتخاب و مورد مقایسه قرار گرفتند. به دلیل علی-مقایسه‌ای بودن تحقیق می‌بایست تعداد نفرات زنان شهری نیز متناسب با زنان زندانی انتخاب می‌شد.

ابزار اندازه‌گیری متغیرها پرسشنامه محقق ساخته در مقیاس ۵ گزینه‌ای طیف لیکرت می‌باشد. به گونه‌ای که با استفاده از شاخص‌های برگرفته شده از نظریه‌های تحقیق؛ گویه‌های هر متغیر طراحی و سنجیده شد.

اعتبار سوال‌های مربوط به متغیرها از طریق روش تعیین اعتبار محتوایی و با گردآوری نظرات اساتید مجرب تعیین شده و در نهایت جهت تکمیل در اختیار زنان قرار داده شد و پایایی سوال‌های پرسشنامه نیز بر اساس تکنیک آلفای کرونباخ بر روی ۳۰ نفر از زنان مورد مطالعه به عنوان (pre-test) اجرا گردید. برای تعیین پایایی پرسشنامه تحقیق حاضر از آلفای کرونباخ استفاده شد که به برای تک‌تک متغیرها بالای ۰/۷ به دست آمد.

در پژوهش حاضر برای بررسی و مقایسه میانگین گروه‌ها پس از تست نرمال بودن از طریق اسمیرنوف-کولموگروف؛ از آزمون t-test مستقل استفاده شده است.

یافته‌ها

فرضیه اول تحقیق: میزان تقید مذهبی زنان زندان تبریز در گرایش به نابهنجاری‌های رفتاری آنان نقش دارد.

جدول شماره (۱): شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون t برای مقایسه میانگین متغیر تقید مذهبی بر اساس گروه

شاخص‌های متغیر	تعداد	میانگین	درجات آزادی	نسبت t	سطح معنی‌داری
تقید مذهبی	۵۰	۴/۸۶	۸۶/۶۱	۸/۱۴	۰/۰۰۰
زنان عادی	۵۰	۳/۱			
زنان زندانی					

جدول شماره (۱) بیانگر شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین متغیر تقید مذهبی در دو گروه زنان عادی و زندانی شهر تبریز است که نشان می‌دهد که تفاوت میانگین‌های دو گروه در سطح (۰/۰۰۰) معنادار است. بنابراین، فرضیه تحقیق تأیید می‌شود و چون میانگین نمره تقید مذهبی زنان زندانی پایین‌تر است، می‌توان نتیجه گرفت که میزان تقید مذهبی در گرایش به رفتارهای نابهنجارانه زنان زندانی نقش داشته است.

فرضیه دوم تحقیق: میزان نحوه کنترل خانواده زنان زندان تبریز در گرایش به نابهنجاری‌های رفتاری آنان نقش دارد.

جدول شماره (۲): شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون t برای مقایسه میانگین متغیر کنترل خانواده بر اساس گروه

شاخص‌های متغیر	تعداد	میانگین	درجات آزادی	نسبت t	سطح معنی‌داری
کنترل خانواده	۵۰	۴	۹۶/۴۱	۱/۲۹	۰/۱۹
زنان عادی	۵۰	۳/۶			
زنان زندانی	۵۰				

جدول شماره (۲) بیانگر شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین متغیر کنترل خانواده در دو گروه زنان عادی و زندانی شهر تبریز است که نشان می‌دهد که تفاوت میانگین‌های دو گروه در سطح (۰/۱۹) معنادار نیست و کنترل خانواده در بین زنان عادی و زندانی تفاوت معناداری ندارد؛ بنابراین، فرضیه تحقیق رد می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که میزان کنترل خانواده در گرایش به رفتارهای نابهنجارانه زنان زندانی تبریز نقش نداشته است. فرضیه سوم تحقیق: میزان نابهنجاری رفتاری دوستان زنان زندان تبریز در گرایش به نابهنجاری‌های رفتاری آنان نقش دارد.

جدول شماره (۳): شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون t برای مقایسه میانگین متغیر نابهنجاری رفتاری دوستان بر اساس گروه

شاخص‌های متغیر	تعداد	میانگین	درجات آزادی	نسبت t	سطح معنی‌داری
ناهنجاری رفتاری دوستان	۵۰	۱/۱۸	۶۱/۲	۵/۶	۰/۰۰۰
زنان عادی	۵۰	۲/۶۸			
زنان زندانی	۵۰				

جدول شماره (۳) بیانگر شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین متغیر نابهنجاری رفتاری دوستان در دو گروه زنان عادی و زندانی شهر تبریز است که نشان می‌دهد که تفاوت میانگین‌های دو گروه در سطح (۰/۰۰۰) معنادار است. بنابراین، فرضیه تحقیق تأیید می‌شود و چون میانگین نمره نابهنجاری رفتاری دوستان زنان زندانی بیشتر است، می‌توان نتیجه گرفت که میزان نابهنجاری رفتاری دوستان در رفتارهای نابهنجارانه زنان زندانی نقش داشته است. فرضیه چهارم تحقیق: میزان نابهنجاری رفتاری اعضای خانواده زنان زندان تبریز در گرایش به نابهنجاری‌های رفتاری آنان نقش دارد.

جدول شماره (۴): شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون t برای مقایسه میانگین متغیر نابهنجاری رفتاری اعضای خانواده بر اساس گروه

شاخص‌های متغیر	تعداد	میانگین	درجات آزادی	نسبت t	سطح معنی‌داری
ناهنجاری رفتاری اعضای خانواده	۵۰	۱/۲۴	۶۵/۹۳	۵/۴	۰/۰۰۰
زنان عادی	۵۰	۲/۵۴			
زنان زندانی	۵۰				

جدول شماره (۴) بیانگر شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین متغیر نابهنجاری رفتاری اعضای خانواده در دو گروه زنان عادی و زندانی شهر تبریز است که نشان می‌دهد که تفاوت میانگین‌های دو گروه در سطح (۰/۰۰۰) معنادار است. بنابراین، فرضیه تحقیق تأیید می‌شود و میانگین نمره نابهنجاری رفتاری اعضای خانواده زنان زندانی بیشتر است. در واقع می‌توان نتیجه گرفت که نابهنجاری رفتاری اعضای خانواده در رفتارهای نابهنجارانه زنان زندانی نقش داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر به بررسی نقش عوامل اجتماعی در گرایش به نابهنجاری‌های رفتاری زنان زندانی شهر تبریز پرداخته شد. نتیجه تحقیق بیانگر وجود تفاوت بین تفهیم مذهبی زنان زندانی و عادی می‌باشد. در واقع پایین بودن تفهیم مذهبی در بین زنان زندانی یکی از عوامل تاثیرگذار در رفتارهای نابهنجار آنها می‌باشد. طبق نظر کنترل و مهار برخی از مقوله‌هایی که برای تحلیل بزهکاری به کار می‌روند شامل کنترل مستقیم، کنترل غیرمستقیم، کنترل درونی می‌باشد. هیرشی نیز بزهکاری را بی‌اهمیتی به قید و بندهای اجتماعی مطرح کرده و این قیود را در ۴ مفهوم وابستگی، تعهد، درگیر بودن و باورها می‌داند (www.tebyan.net). نتایج تحقیق نازک‌تبار، زاهدی و نایی نشان می‌دهد که تنها بعد پیامدی دین‌داری تاثیر مستقیم بر بزهکاری داشته و بیشترین سهم را در تبیین ممانعت از بزهکاری جوانان به خود اختصاص داده است (www.sid.ir). داداش‌زاده فهیم نیز دریافت در گروه‌هایی که علایق مذهبی ضعیف‌تری دارند احتمال کجروی بیشتر است. نتیجه دیگر این تحقیق نشان داد بین نحوه کنترل خانواده زنان زندانی و عادی تفاوت معناداری وجود ندارد. در واقع میزان کنترل خانواده در گرایش زنان زندانی تبریز به رفتارهای نابهنجار نقشی نداشته است (محمدی، ۱۳۸۳: ۶۸). نتایج تحقیق محمد نبی نشان می‌دهد که نابسامانی خانواده، عدم نظارت و کنترل والدین وجود اختلاف و مشاجره و کثرت اولاد و وضعیت اقتصادی و اجتماعی پایین در بروز جرم، تعدد جرم و سن شروع جرم موثر است (همان: ۶۶). هم‌چنین داداش‌زاده فهیم طی تحقیقی دریافت که هرچه کنترل اجتماعی ضعیف‌تر باشد احتمال کجروی فزونی می‌گیرد. در پژوهش حاضر با توجه به این که اکثر زنان زندانی و عادی کنترل خانواده‌شان در حد متوسط و متوسط به پایین می‌باشد. پس می‌توان گفت کنترل خانواده به تنهایی نمی‌تواند مانع گرایش فرد به نابهنجاری شود بلکه نحوه جامعه‌پذیری فرد در کودکی، سطح تحصیلات و سطح رفاهی خانواده در این امر می‌تواند دخیل باشند (همان: ۶۸). نتیجه دیگر پژوهش نیز نشان می‌دهد بین نابهنجاری رفتاری دوستان زنان زندانی و عادی تفاوت معناداری وجود دارد. در واقع بالا بودن نابهنجاری رفتاری دوستان زنان زندانی یکی از عوامل تاثیرگذار در رفتارهای نابهنجار آنها می‌باشد. ماتزا کجروی را نظیر هر گونه رفتار دیگر، آموختنی می‌داند و معتقد است که از طریق کنش و واکنش اجتماعی آموخته می‌شود (احمدی، ۱۳۸۴: ۸۰). نظریه پیوند افتراقی بر این باور است که نزدیکان و همسالانی که بزهکار باشند، تاثیر زیادی بر تشکیل

و تقویت نگرش بزهکارانه می‌گذارد و فرد را به سوی بزهکاری سوق می‌دهند (www.tebyan.net). نتایج تحقیق شکرپیگی نشان داد که تاثیر دوستان در نابهنجاری رفتاری بیش از رسانه است. بین تاثیر محیط مدرسه و تاثیر دوستان در نابهنجاری رفتاری دختران رابطه قوی وجود دارد (www.Sociology of Iran.com). نتیجه دیگر پژوهش نشان می‌دهد بین نابهنجاری رفتاری اعضای خانواده زنان زندانی و عادی تفاوت معناداری وجود دارد. در واقع بالا بودن نابهنجاری رفتاری اعضای خانواده زنان زندانی یکی از عوامل تاثیرگذار در رفتارهای نابهنجار آن‌ها می‌باشد. مید معتقد است که در لحظه تولد کودک فاقد خود یا شخصیت بوده و بر اثر کنش‌های اجتماعی یا قرار گرفتن در فراگرد فعالیت‌ها و تجربه‌های اجتماعی بدان دست می‌یابد. پارسونز روابط فرزند و والدین را به عنوان منبعی از طغیان دوره جوانی ذکر کرده و اظهار می‌دارد که جوانان به دلیل بعضی از گویه‌های پذیرفته شده فرهنگ خانواده‌های طبقه متوسط مرتکب رفتار بزهکارانه می‌شوند (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۵).

نتایج تحقیق محمد نبی نشان داد که وجود خلاف در خانواده و محل سکونت خود از عوامل موثر در رفتار سایر افراد خانواده است. نتایج تحقیق داداش‌زاده فهمیم نشان داد که در خانواده‌هایی که سابقه کجروی وجود دارد احتمال کجروی از سوی سایر افراد فزون‌تر است.

پیشنهادها

- درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده در یک جامعه توسط خانواده، خانواده با اهتمام به اصول دینی و پای‌بندی به احکام مذهبی می‌توانند با رشد باورهای مذهبی فرزندان خود، آنان را در برابر آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی واکنش‌ناپذیر کنند.

- آموزش و پرورش بایستی از اولین مراحل تربیت، آمادگی بالقوه نوجوانان و جوانان را برای خدمات اجتماعی بکار بگیرد و مهارت‌های لازم را برای قبول این مسئولیت‌ها فراهم سازد.

- والدین باید تبعیض در بین فرزندان را از محیط خانوادگی دور کنند. احساس طرد شدگی منجر به احساس بی‌ارزشی، یاس، ناامیدی، روی آوردن به نابهنجاری‌هایی مثل اعتیاد و حتی خودکشی می‌گردد.

- والدین نزدیک‌ترین افراد به فرزندان خود بوده و چنانچه آلودگی داشته باشند، فرزندان آن‌ها بیش از هر کس در معرض خطر آلودگی قرار خواهند گرفت. بعد از والدین، بزهکاری سایر افراد خانواده ممکن است در وضع خانواده اثرات زیادی داشته باشد. از طرفی علاوه بر رابطه نسبی بین افراد خانواده عده‌ای نیز ممکن است با خانواده رابطه سببی پیدا کرده و جزو اعضای خانواده شوند. بنابراین در صورت وجود اعمال خلاف در افراد خانواده مانند اعتیاد و یا فروش مواد مخدر با جدا سازی فرزندان از والدین و خانواده محیط زندگی مناسبی برای وی مهیا گردد.

پی‌نوشت‌ها

- [۱] Parsons
 [۲] Becker
 [۳] Matza
 [۴] Reckless
 [۵] Hirschi
 [۶] Saderland
 [۷] Validity
 [۸] Reliability

منابع

- احمدی، ج. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: انتشارات سمت. چاپ اول.
- حسینی‌نسب، د. و دیگری. (۱۳۷۵). *فرهنگ واژه‌ها و تعریف‌ها و اطلاعات تعلیم و تربیت*. تبریز: انتشارات احرار. چاپ اول، ص ۶۱۹ و ۶۰۲
- سختوت، ج. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: دانشگاه پیام نور. چاپ یازدهم.
- سلیمی، ع. و دیگری. (۱۳۸۶). *مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی (جامعه‌شناسی کجروی)*. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ سوم.
- شفیعی، م. (۱۳۸۳). *بررسی راهکارهای عملی کاهش ناهنجاری‌های دانش‌آموزان مقطع راهنمایی*. طرح تحقیقاتی سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی ناحیه دو.
- شکر بیگی، ع. (۱۳۸۵). *بررسی رفتار نابهنجار دختران جوان*. نقل از سایت: www.SociologyofIran.com.
- علاقه‌بند، ع. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*. تهران: انتشارات روان. چاپ سی و هفتم.
- کرباسی، م. و دیگری. (۱۳۸۶). *مسائل نوجوانان و جوانان*. تهران: دانشگاه پیام نور. چاپ هشتم.
- محمدی، ز. (۱۳۸۳). *بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه (۱۳۸۰-۱۳۷۰)*. تهران: انتشارات شورای فرهنگی، اجتماعی زنان. چاپ اول.
- نصر، ح. (۱۳۸۵). *اسلام: مذهب، تاریخ و تمدن*. ترجمه: گیلوری، ع. تهران: انتشارات دبیزش - روزبهان. جلد اول، ص ۲۹.
- جوادی، ح. (۱۳۸۷). *بررسی عوامل موثر فردی، اجتماعی در احساسات انومی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.
- کریم‌زاده، ب. (۱۳۸۸). *آسیب‌شناسی اجتماعی خانواده‌های زندانیان (مطالعه موردی زندان تبریز)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.
- زمانی، ف. (۱۳۸۶). *زمینه‌های بزهکاری زنان*. نقل از سایت: www.socialworker.mihanblog.com.
- www.aftab.ir
www.sid.ir
www.tebyan.net